

## جنگ های صلیبی

جنگ های صلیبی به مدت دو سده (۱۲۹۱ \_ ۱۰۹۵) شامل \_ هشت دوره نبرد بود، در عمل اهدافی به غیر از آنچه که رهبران مذهبی داعیه دارش بودند، دربرداشت. این جنگ ها به صحنه مناقشات سیاسی اقتصادی اروپاییان در خاور زمین بدل شد. جنگی که در زیر لفافه مذهب آغاز شده بود به یکی از جنگ های خونین و بی رحمانه همراه با جنایات پست و ناجوانمردانه تاریخ بشر مبدل گشت. جنگ های صلیبی در شرایطی روی داد که در جهان اسلام حاکمیت از آن ترکان سلجوقی بود و بر ایران، آسیای صغیر، حلب، دمشق و شام حکومت می کردند. در دنیای اسلام تعدد مراکز قدرت به حد اعلا رسیده و بنا به نوشته جواهر لعل نهرو: «... امرا و فئودال های بزرگ سلجوقی عملاً خودشان را مستقل می شمردند و با یکدیگر می جنگیدند.» سرزمین مصر از چنگ خلفای فاطمی به در آمده و به دست ایوبیان افتاده بود. فدائیان اسماعیلی در قلمرو سلجوقیان سرگرم پیکار مسلحانه بودند. محمد غزالی از مدرسین نظامیه بغداد طی نامه معروف خود به سلطان سنجر پادشاه سلجوقی، ضعف جهان اسلامی را در برابر تجاوز دشمنان گوشزد کرده، تفرقه و پراکندگی مسلمانان و ظلم و ستم حکام را بر امت مسلمان منشاء خطر بزرگی شمرده بود. از طرف دیگر در دنیای مسیحیت هم تفرقه و نفاق بود. کلیسای قسطنطنیه با کلیسای رم اختلاف داشت. کلیسای قسطنطنیه خود را ارتدوکس و اصیل می دانست و کلیسای رم را بدعت گذار به حساب می آورد. پاپ رم می کوشید به حاکمیت کلیسای قسطنطنیه پایان دهد و قسطنطنیه را در زمره پیروان خود در آورد. جنگ های صلیبی که در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۰۹۵ در شورای «کلرمون» توسط دستگاه رهبری مذهب مسیح به تصویب رسید و یک سال مخفی نگاه داشته شد، سرانجام در سال ۱۰۹۶ میلادی رسماً آغاز شد. مسیحیان با استفاده از تزلزل و بی ثباتی مسلمانان در نخستین جنگ صلیبی، بیت المقدس را تصرف کردند و مملکت لاتینی اورشلیم را در قلب دنیای مسلمان، در شام و فلسطین، بنیاد نهادند.

### • علل سیاسی

تهاجم اعراب، مجارها، وایکینگ ها در قرن نهم و دهم میلادی به سرزمین مسیحیان و غارت صومعه ها و کلیساها از جانب آنان اولین عامل سیاسی بود که موجب تکامل اندیشه جنگ های صلیبی شد. از طرف دیگر پیشرفت نظامی اعراب در سرزمین های جنوبی اروپا و تصرف مناطقی همچون سیسیل، اسپانیا، قبرس، جنگ «ملازگرد» که در سال ۱۰۷۱ میلادی و بین سلجوقیان و امپراتوری بیزانس روی داد و به پیروزی سلجوقیان منجر شد، موجب حاکمیت سلجوقیان در آسیای صغیر و کناره های دریای

مدیترانه و قطع روابط بازرگانی اروپا با آسیا شد. رایشمان از مورخان جدید و ویلیام صوری از مورخان قدیم جنگ «ملازگرد» را توجیه حمله صلیبیان می دانند چون شکست امپراتوری بیزانس در ملازگرد از جانب سلجوقیان باعث از دست رفتن منافع اقتصادی آنها در شرق شد. در سال ۱۰۱۰ میلادی «الحکیم بالله» خلیفه فاطمی مصر از روی تعصبات مذهبی کلیسای سزار مقدس را که زیارتگاه هزاران مسیحی بود، با خاک یکسان کرد. این عمل مسیحیان را سخت آزرده کرد و اندیشه جنگ های صلیبی را در ذهن اروپاییان باوراند.

#### • علل اقتصادی

بنا به نوشته تامسون جنگ های صلیبی اولین تجربه استعماری غرب بود که برای تحقق بهره برداری های همه جانبه اقتصادی صورت گرفت. جهان غرب در قرون وسطی به لحاظ اقتصادی عقب مانده و اقتصادش فرسوده و رو به زوال بود و قحطی، خشکسالی و بیماری طاعون جامعه اروپا را به سوی انحطاط سوق داده بود. در سال ۱۰۰۰ میلادی در جنوب فرانسه و ایتالیا بحران های اقتصادی در کشاورزی پدید آمد. جمعیت این کشورها افزایش یافت و رشد جمعیت موجب تضادهای طبقاتی شد. از طرف دیگر خریدن زمین های کوچک دهقانی از جانب اشراف و کلیسا موجب بی زمین شدن توده عظیمی از کشاورزان شد. تدوین و اجرای طرح ظالمانه «قانون وراثت زمین» توسط حاکمان قرون وسطی در اروپا که طبق آن قوانین بعد از مرگ پدر، همه ارث او به پسر بزرگ خانواده می رسید و بقیه اعضای خانواده از ارث محروم می شدند. محرومیت اعضای خانواده از ارثیه پدر موجب می شد تا خیل عظیمی از مردم از حقوق اولیه خود برخوردار نشوند. بدین ترتیب اجرای این دو قانون عامل مهمی در به حرکت درآوردن ماشین جنگی جنگ های صلیبی شد و باعث شد خیل عظیمی از مردم برای به دست آوردن زمین در جنگ شرکت نموده و عازم آسیا شوند. حس جاه طلبی و حرص و آز اروپا خصوصاً کشور ایتالیا عامل دیگری برای وقوع جنگ های صلیبی بود. زیرا اروپائیان مسلمانان را مانع نفوذ خود برای گسترش قدرت تجاری خود در مدیترانه شرقی می دانستند بر همین اساس در پی آن بودند تا با تصرف فلسطین بین شرق و غرب رابطه تجاری برقرار شود و بازرگانان مسیحی کنترل بازارهای خاور نزدیک را در دست خود گیرند.

#### • علل مذهبی

کلیسا جنگ صلیبی را «مقدس» قلمداد کرد و به توده ها باوراند که «بیت المقدس» کعبه همه کسانی است که نیکوکار و پرهیزگارند و این شهر شهر سعادت و شفا دهنده است. «مردانی که با شجاعت و دانایی در این جنگ کشته شوند قهرمان هستند

و عازم بهشت خواهند شد.» نمونه ای از موعظه کلیسا در کشاندن توده ها به جنگ چنین بود: «ای دلاوران، با این شمشیری که به «جهاد مقدس» می روید خزاین آسمان ها را تملک خواهید کرد. اگر در این جنگ فاتح شوید تمام کشورهای مشرق زمین از آن شما خواهد شد و اگر کشته شدید به شرافتی بزرگ نائل آمده اید، یعنی در نقطه ای شهید شده اید، که عیسی در آن شربت شهادت نوشیده است.» اولین علت مذهبی جنگ های صلیبی تهاجم ترکان سلجوقی به سرزمین بیت المقدس و تصرف آن در سال (۱۰۷۰ م) بود. سلجوقیان بعد از تسلط بر بیت المقدس کوشیدند تا با تفکر مسیحیت و با عبادت مسیحیان در کلیساها مخالفت نمایند و مسیحیت زدایی اصلی بود که در سرلوحه کار سلجوقیان در بیت المقدس قرار گرفت. دومین عامل مذهبی جنگ های صلیبی پاپ «گریگوری» هفتم رهبر کاتولیک کلیسا بود. او همواره در نظر داشت تا بر کلیسای روم شرقی که دین ارتدوکس بر آن حاکم بود دست یابد و امپراتوری شرقی را ضمیمه امپراتوری غربی نماید تا بدین وسیله اتحاد دنیای مسیحیت را باعث شود. تهاجم به امپراتوری بیزانس از جانب سلجوقیان ترک باعث شد تا رهبران روم شرقی دست کمک به سوی پاپ دراز کرده و سفیرانی در سال ۱۹۰۵ به دربار پاپ بفرستند. پاپ از این فرصت استفاده کرد و با پذیرش نمایندگان روم شرقی وعده همه گونه کمک و مساعدت را به آنها داد و بدین ترتیب زمینه جنگ های صلیبی فراهم آمد.